

۱۲ اشتباه رایج زبان آموزان و راهکارهای اصلاح آن



منبع: www.drzaban.com

نویسنده: دکتر زبان (مسعود اکبری)

موضوع: ۱۲ اشتباه رایج زبان آموزان و راهکارهای اصلاح آن - قسمت اول
برای خواندن جدیدترین مطالب آموزشی به سایت دکتر زبان مراجعه کنید!
برای دانلود صدها مقاله مشابه این مطلب عضو سایت دکتر زبان شوید!

موضوع این مقاله اشتباهاتی است که مربوط به فرایند یادگیری یک زبان می شوند نه اشتباهات مربوط به خود زبان. ابتدا باید بگوییم که اشتباه کردن نه تنها ایرادی ندارد، بلکه در فرایند یادگیری هر مهارتی یک ضرورت محسوب می شود. خاطریم هست در دوران دانشجویی اولین کته برنجی را که درست کردم بیشتر شبیه سیمان شد تا کته. و بیچاره میهمانان من که ناچار شدند از این شبه غذا میل کنند و تازه به من امیدواری هم بدهند که چقدر با استعدادم! اما حالا بعد از گذشت سالها در پختن برنج خیلی حرفه ای تر شده ام. پخته شدن در فرایند یادگیری زبان هم به همین گونه است. خب، و حالا می پردازیم به توضیح ۶ اشتباه رایج زبان آموزان و راهکارهای اصلاح آن.

اشتباه شماره ۱: طراحی نکردن اهداف

بسیاری از زبان آموزان فقط به "یادگیری" زبان می پردازند. اگر از آنها بپرسیم که در حال یادگیری چه چیزی هستید، احتمالاً خواهند گفت دارم انگلیسی یاد می گیرم. یا دارم تلفظ یاد می گیرم. باید بگوییم که این اهداف، اهداف روشنی نیستند. اگر اهداف خود را دقیق و شفاف تعریف نکنید به سرعت از ادامه کار برای رسیدن به آنها نا امید می شوید. آنگاه به سختی می توانید میزان پیشرفت خود را ارزیابی کنید و در نتیجه در تله بی تفاوتی نسبت به یادگیری زبان گرفتار می شوید.

راهکار:

اگر نمی دانید چه هدفی دارید، یعنی اینکه هدفتان خیلی ضعیف است. با طراحی اهداف خود بر اساس الگوی SMART می توانید با تمرکز و سرعت بیشتری پیش بروید. اهداف شما باید دقیق، قابل اندازه گیری، جاه طلبانه و واقع بینانه باشند. مثلاً به جای آنکه بگویید "می خواهم انگلیسی یاد بگیرم." بگویید "تا آخر این ماه ۱۰ تا از پرکاربردترین اصطلاحات مربوط به خرید را یاد خواهم گرفت."
برای جزئیات بیشتر به مقاله ام تحت عنوان "یادگیری زبان انگلیسی و هدف گذاری با تکنیک SMART" مراجعه کنید.

اشتباه شماره ۲: ارزیابی نکردن میزان پیشرفت خود

اشتباه رایج شماره یک منجر به اشتباه شماره دو می شود، یعنی ارزیابی نکردن میزان پیشرفت. در نتیجه این اشتباه هیچگاه از میزان پیشرفت خود راضی نخواهیم بود. اگر اهداف را بر اساس الگوی SMART طراحی نکنیم، قادر نخواهیم بود ارزیابی دقیقی از میزان پیشرفت خود داشته باشیم. در بهترین حالت فقط می توانیم بگوییم "احساس می کنم" یا "فکر می کنم" که مهارت اسپیکینگ یا دایره واژگانی ام نسبت به ماه قبل بهتر شده است.
راستش این کافی نیست! ارزیابی، چیزی فراتر از تشویق و تمجید خودمان است. باید بینیم دقیقاً کجا اشتباه کرده ایم و چگونه می توانیم آن اشتباه را تصحیح کنیم. اگر ارزیابی عمیقی از عملکرد خود نداشته باشیم دائماً اشتباهاتمان را تکرار خواهیم کرد.



راهکار:

یادگیری یک زبان مانند یک سفر است. فرض کنید می خواهید از بیابانی وسیع و سوزان عبور کنید. در این میان راه را هم گم کرده اید و بسیار هم خسته اید. بدیهی است که با این اوصاف به پایان بردن این سفر کار چندان ساده ای نیست. چگونه می توانید به خودتان انگیزه لازم را برای ادامه این سفر بدهید؟ یکی از کارهایی که می توانید انجام دهید این است که بایستید و ببینید با هدفتان چقدر فاصله دارید. راه دیگر آنست که به پشت سر خود نگاهی بیندازید و ببینید چه مسافت زیادی را طی کرده اید و به خودتان بارک الله بگویید.

اشتباه شماره ۳: مرور دایمی یک مطلب تکراری

این اشتباه به دو دلیل رخ می دهد. یا مطلب مورد نظر را خوب هضم نکرده اید و یا در یادگیری آن مطلب تمرکز کافی به خرج نمی دهید. مثلا برخی زبان آموزان برای یادگیری مفهوم یک ساختار گرامری همیشه چند مثال ثابت را بررسی می کنند. یا موقع یادگیری لغت، لیست ثابتی از لغات را مرور می کنند. افراد با این روش زمان ارزشمند خود را برای یادگیری مفاهیم جدید و بررسی صدها مثال متنوع دیگر عملا از دست می دهند.

راهکار:

اگر می خواهید ۱۰ لغت یاد بگیرید، ابتدا لیست آن لغات را مرور کنید. سپس برخی از کلمات را به انتخاب خودتان به لیست ماه بعد منتقل کنید. به این ترتیب، فعلا خیالتان از بابت این کلمات راحت شده و هر موقع بخواهید می توانید در ماه بعد به مرور آن کلمات بپردازید.

همین قاعده را باید برای مرور مطالب تکراری اعمال کنید. البته می دانم که خواندن یک کتاب برای چندین بار وسوسه کننده است، اما می تواند خسته کننده نیز باشد. کلید یادگیری موثر مفاهیم یک زبان این است که به مثالهای متعدد نگاه کنید. هرچه مثالهای بیشتری ببینید، مفاهیم جدیدتری برایتان ملموس تر خواهند شد و به این ترتیب کمتر دچار خستگی می شوید.

اشتباه شماره ۴: تمرکز بیش از حد روی یک منبع خاص

سمیرا برای یادگیری زبان فرانسه از منابع مختلفی استفاده می کند. این کار سمیرا نیز اشتباه است و منجر به اشتباه شماره ۴ می شود یعنی تمرکز بیش از حد بر روی یک منبع خاص. مثلا سمیرا فقط کتاب می خواند یا فقط به پادکستهای فرانسه گوش می کند و یا فقط گرامر یاد می گیرد. خب، می دانید که سمیرا با این کار یادگیری را یکنواخت کرده و قطعا پس از مدتی یادگیری زبان فرانسه را کنار خواهد گذاشت. بعلاوه از این طریق نمی تواند مهارت های مختلفی را که برای رسیدن به سطح حرفه ای زبان فرانسه نیاز دارد به دست بیاورد. او تنها قادر خواهد بود در زمینه گرامر و یا لیسنینگ به یکسری مهارتها برسد.



راهکار:

یادگیری یک زبان پروسه ای جامع است. تا می توانید باید به آن تنوع ببخشید. مثلا با خواندن کتاب، مرور فیلمها و دستور العمل های آشپزی، گوش کردن به پادکستها، داستانها و آهنگهای جدید، یادگیری لغت از کتاب و از مکالمات و ... صرفا برای یادگیری لغات جدید روی فلش کارت تمرکز نکنید. خلاق باشید و سعی کنید هر دفعه یک کار متفاوت انجام دهید.

اشتباه شماره ۵: یادگیری لغات به صورت پراکنده

برخی زبان آموزان لغات را به صورت موضوعی حفظ می کنند. مثلا لغات مربوط به حیوانات، لباس، خانواده و غیره. این افراد لغات بسیار زیادی را می دانند اما هنگام مکالمه با دیگران قادر به مکالمه سلیس و روان نیستند.

راهکار:

لغات را بر اساس میزان نیاز خود در مکالمات کاربردی انتخاب کنید. ببینید **پر کاربردترین کلمات** در زبان انگلیسی و یا هر زبان دیگری که تمایل به یادگیری آن دارید کدام است. آیا فکر می کنید موقعیت های خاصی وجود دارد که برای صحبت کردن در این موقعیت ها به مشکل بر بخورید و هیچ چیز به ذهنتان نرسد؟ هر بار که چنین اتفاقی می افتد لیستی از کلماتی که در این گونه موقعیتها نیاز داشته اید را یادداشت کنید و سعی کنید هنگام یادگیری لغت این مطالب را در الویت قرار دهید.

اشتباه شماره ۶: تمرکز بیش از حد روی گرامر

آیا شما هم مثل خیلی از افراد برای یادگیری زبان سعی می کنید کتابهای گرامر را قورت دهید؟ متاسفانه بسیاری از فراگیران زبان در این تله گیر می افتند و فراموش می کنند که برای مکالمه لزوما نیازی به دانستن گرامر نیست. همانگونه که از ابتدا در زبان مادریمان مکالمه کردن را بدون دانستن گرامری آغاز کردیم. با تمرکز بیش از حد و حفظ کردن قواعد گرامر قادر به دیدن بخشهای دیگر یک زبان نیستیم. مواردی مثل مهارتهای ارتباطی، تقویت واژگان و تقویت مهارت های شنیداری. درست مثل این است که آن قدر روی تنه یک درخت تمرکز کنیم که دیگر قادر به دیدن شاخه های آن نباشیم. به این ترتیب تصویر بزرگتر را از دست خواهیم داد. گرامر مانند تنه و مهارت های دیگر مانند شاخه های آن درخت هستند.



راهکار:

سعی کنید گرامر را در متن یاد بگیرید. اگر علاقه مند به یادگیری موضوعی خاص هستید، می توانید به یک کتاب گرامر مراجعه کنید. اما حواستان باشد که مثالهای متعددی از آن موضوع را بررسی کنید و حتما و بلافاصله آن موضوع را استفاده کنید، در نوشتار و گفتار خودتان. با این کار این مطلب گرامری بخشی از حافظه بلند مدت شما می شود و دیگر هنگام صحبت کردن نیازی به فکر کردن در مورد آن نخواهید داشت.

پایان بخش اول - برای خواندن ادامه این مطلب به قسمت دوم مقاله "۱۲ اشتباه رایج زبان آموزان و راهکارهای اصلاح آن" مراجعه کنید.

